

مقاله پژوهشی

قرائت منظر خیابان در باغ ایرانی

پدرام صدفی کهنه شهری

پژوهشگر دکتری، گروه معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

محمد آتشین‌بار*

استادیار، گروه مهندسی علوم باغبانی و فضای سبز، دانشکده کشاورزی، دانشکده‌گان کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

چکیده | مفهوم باغ ایرانی به واسطه تداوم و گسترده‌گی حضورش در جغرافیای ایران زمین، از ماوراءالنهر تا پس کرانه‌های بین‌النهرین همواره به‌مثابه یکی از نمادهای تمدن و کهن‌الگوهای معماری حوزه ایران بزرگ شناخته می‌شود. با بررسی دقیق‌تر اسناد، سفرنامه‌ها و تحلیل سیر تحول کالبدی پدیده مذکور، می‌توان گفت که شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نظام کشاورزی و اقتصادی در هر دوره تأثیر اندکی بر نظام معنایی باغ ایرانی داشته است. اولین ادراک مخاطب از فضای باغ ایرانی ترکیبی از درختان بلند قامت و نقطه‌عطف انتهای محور اصلی است که از محدوده ورودی تا کوشک امتداد یافته و با حضور پررنگ آب در استخرها، حوضچه‌ها، جوی‌ها و سایه درختان ترکیب شده است. این تصویر، مهم‌ترین و ماندگارترین تصویر از باغ ایرانی، یعنی خیابان باغ را تداعی می‌کند و مؤلفه‌های از باغ ایرانی است که شکل و تداوم حضورش در روند تاریخی تحولات، بیشترین ثبات و کم‌ترین تغییر را داراست. «خیابان باغ» نقش هستی‌بخش در طراحی باغ ایرانی دارد و تجلی عالی‌ترین وجوه معنایی باغ است. این مقاله درصدد است نقش خیابان را به‌مثابه مهم‌ترین مؤلفه منظرپردازی باغ ایرانی تبیین کند و جهت تحقق، به تحلیل اسناد تاریخی اتکا داشته و در گام بعدی، با تعریف معیارهای تأثیرگذار در تحولات تاریخی خیابان باغ، به تحلیل آن می‌پردازد. خیابان در تاریخ تحولات باغ ایرانی، نقشی مفهومی در پدید آمدن باغ برعهده داشته و ثبات مؤلفه‌های پدیدآورنده آن در دوره‌های مختلف، منشأ تداوم هویت باغ ایرانی قلمداد می‌شود.

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، خیابان، منظرپردازی، مؤلفه منظر.

مقدمه | از آنجاکه اهم جلوه‌های تشخیص باغ ایرانی حول محور اصلی آن تعریف می‌شود، خیابان باغ را می‌توان اصلی‌ترین وجه معنابخش در شکل‌گیری این کهن‌الگو دانست. اگرچه می‌توان برای سایر مؤلفه‌های منظرپردازی باغ که در رأس آن‌ها، کوشک قرار دارد نیز چنین نقشی قائل شد اما ضرورت غیرقابل‌انکار آن است که کوشک و معماری فاخر آن، خود، بخشی از «سناریوی خیابان باغ» است؛ لذا بعضاً حتی مکان‌یابی کوشک نیز از مرکز ثقل هندسی باغ تغییر کرده و به مکان دیگری منتقل می‌شود ولی همچنان نسبتی محکم با خیابان باغ دارد. باغ عباس‌آباد به‌شهر از نمونه‌های شاخصی است که کوشک اصلی باغ از مرکز هندسی خارج شده و حتی معماری آن نیز شبیه معماری رایج

کوشک‌ها نیست؛ اما تشخیص خیابان در باغ به قوت خود باقی بوده و در ترکیب با سایر مؤلفه‌ها، ساختاری قدرتمند برای باغ پدید آورده است.

فرضیه

به نظر می‌رسد جوهره اصلی آن‌چه که به‌عنوان باغ ایرانی شناخته می‌شود و تا به امروز تداوم داشته «خیابان باغ» است که مؤلفه تشخیص‌دهنده باغ محسوب می‌شود؛ به‌عبارتی، الگوهای مختلف باغ ایرانی نشأت‌گرفته از تحولات خیابان آن است.

شیوه پژوهش

پژوهش حاضر تحقیقی است که با استناد به مدارک و

* نویسنده مسئول: ۰۰۹۱۲۱۹۷۹۸۲۶ atashinbar@ut.ac.ir

۱۳۹۷). این گروه، ابعاد ادراکی خیابان را مدنظر قرار داده و آن را مؤلفه‌های منظرین در باغ تفسیر می‌کنند: «باغ ایرانی، باغی است محصور، منظم، دارای نقطه‌عطف داخلی که در امتداد خیابان معنا می‌یابد» (متدین، ۱۳۹۶، ۳۴). با نگاهی متفاوت به پژوهش‌های موجود این مقاله جایگاهی نوین برای خیابان‌باغ قائل شده و با معرفی خیابان‌باغ به‌مثابه عنصر اصلی منظرپردازی باغ ایرانی، سعی دارد تا نسبت خیابان‌باغ را با تحولات شکلی باغ ایرانی باتوجه‌به ثبات معنایی الگوی باغ ایرانی تشریح کند.

روایت: تحولات شکلی خیابان‌باغ در باغ ایرانی در گذر تاریخ

• پیش از ورود اسلام به ایران

ریشه‌ی واژه خیابان (خوی+آبان) با عنصر آب پیوند خورده و به‌همین دلیل می‌توان مفهوم آن را مرتبط با دوره باستان (آتشین‌بار و متدین، ۱۳۹۷، ۷۲) و جلوه‌گاه مؤثر آن را باغ دانست که مظهر تاریخ تمدن ایران زمین است. این تعریف، همچنین دربردارنده مفهوم خیر و نیکی و وجه تقدس (همان) برای خیابان است و مصداق این گفته، پیوند قطعی آن با «آب» به‌عنوان عنصری اسطوره‌ای در فرهنگ ایران و شاخص اصالت و پاکی است (منصوری، ۱۳۹۸). مشهورترین دلایل شکل‌گیری نظریه باغ‌های ایرانی نیز بر همین مبنا استوار است: در پی کاوش باغ سلطنتی پاسارگاد، کشف آب‌گذرهای سنگی در میان خیابان‌های باغ منشأ اولین نظریه‌پردازی‌های این حوزه شد که توسط استروناخ انجام گرفت (استروناخ، ۱۳۷۰). وی با رسم دو محور عمود بر هم در پاسارگاد برای اولین بار نظریه چهارباغ را ارائه داد؛ او اذعان داشت وجود آب‌گذر در میان محور اصلی حاکی از وجود یک باغ رسمی است. البته نظریه چهارباغ بعدها مورد نقد قرار گرفت و بر هندسه مستقیم یا خیابان تأکید شد: «با نگاه به باغ پاسارگاد و بسیاری دیگر از باغ‌های ایرانی همانند باغ‌های به‌جامانده از دوره ساسانی درمی‌یابیم که چهارباغ، الگوی باغ‌سازی ایرانی نبوده است بلکه می‌توان آن را تنها یک الگوی خاص از باغ ایرانی فرض کرد» (حیدرنتاج و منصوری، ۱۳۸۸، ۲۸). استروناخ برای اثبات نظریه باغ ایرانی، باغی به نام خلوتگاه باصفا یا کاخ اردشیر دوم در آثار باقی‌مانده از شوش را نیز مرجع قرار می‌دهد (جمال‌الدین، ۱۳۹۵، ۲۴). او همین‌الگو را برای عمارت خسرو نیز قائل شده و حضور آب‌گذر طولانی و کوشک‌های روبروی هم را استدلالی برای حضور محورهای اصلی و عمود بر هم و یک باغ رسمی می‌پندارد (تصویر ۲): «کاخ خسرو از جمله کاخ‌های ساسانی است که در کنار جاده ارتباطی فلات ایران با بین‌النهرین قرار دارد. بنابر اسناد مکتوب تاریخ‌نگاران عرب، این کاخ به‌صورت محصور در میان باغی به مساحت ۳۰۰ هکتار روی سکویی به ارتفاع ۷/۵

نقشه‌های تاریخی، نقش خیابان را در باغ ایرانی در سه مرحله ارزیابی می‌کند. مراحل عملیاتی تحقق پژوهش با استناد به گزیده‌ای از نمونه‌های باغ ایرانی به‌شرح ذیل تنظیم شده است:

۱. تاریخ‌نگاری: مطالعه باغ‌ها در دوره‌های تاریخی پیش از اسلام تا انتهای دوره قاجار؛
۲. مطالعه تحلیلی: نقش خیابان در پدید آمدن باغ ایرانی و ارزیابی جایگاه آن در نمونه‌های برگزیده؛
۳. تبیین نظریه: مفهوم «منظر خیابان» در باغ ایرانی.

گزینش نمونه‌های موردبحث از میان مجموع اسناد و مدارک باغ ایرانی در حوزه نفوذ آن از هند تا شمال آفریقا، با تمرکز بر انتخاب باغ‌های رسمی در محدوده جغرافیای ایران دوره صفوی بوده است؛ بررسی جامعی از نقشه‌های باغ ایرانی صورت گرفت و خلاصه تحلیل آن به انتخاب نمونه‌هایی در پژوهش منجر شد که ضمن قرارگیری در محدوده ذکرشده بر اساس اسناد مکتوب و یافته‌های باستان‌شناسی، بیشترین سندیت را داشته باشند (تصویر ۱).

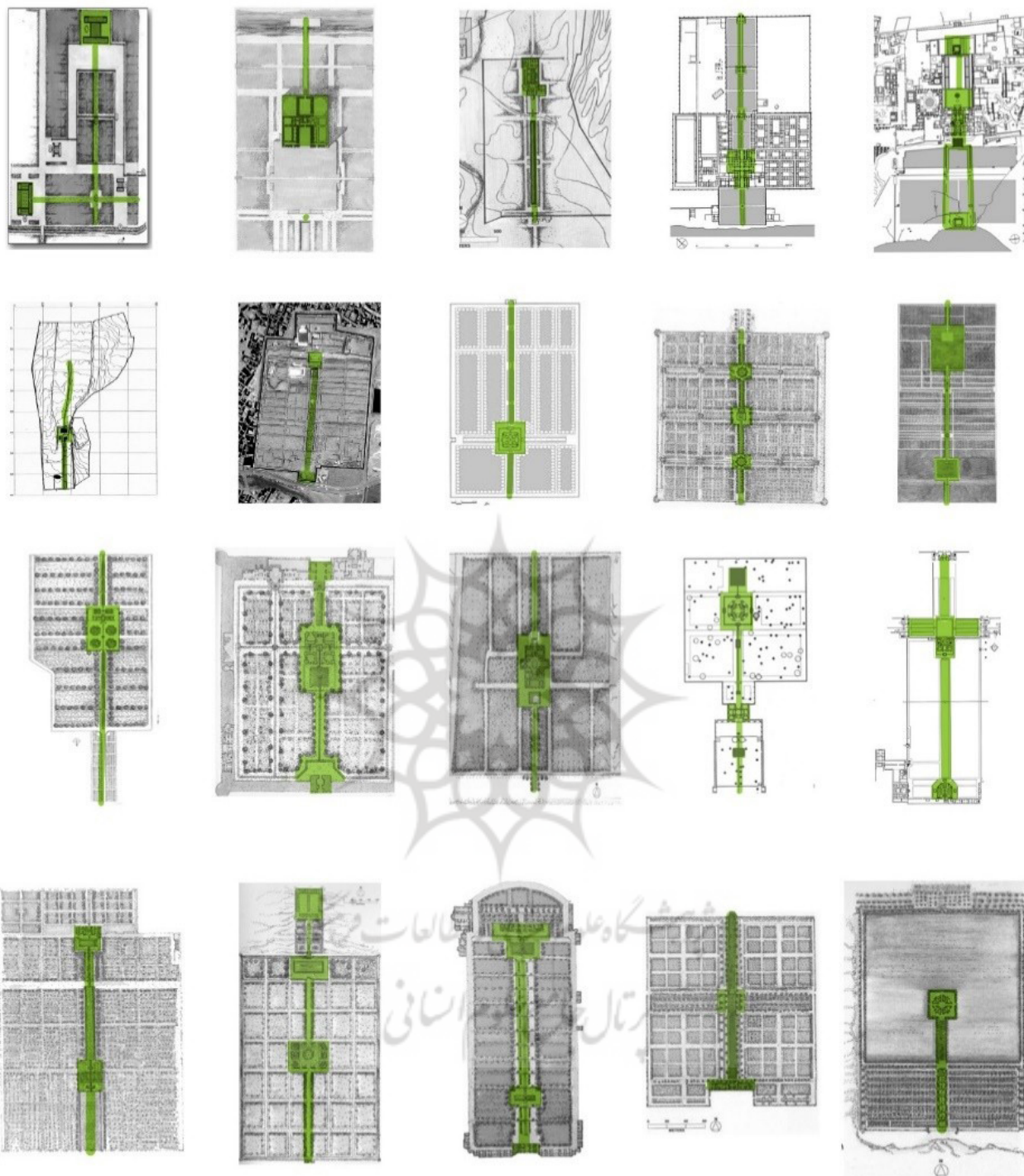
پیشینه پژوهش

منابع فارسی که به نقش خیابان در باغ ایرانی پرداخته‌اند را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد:

گروه اول، پژوهش‌هایی که به وجوه شکلی باغ بسنده کرده و نقش کارکردی خیابان را در تعریف مفهوم و کانسیت باغ، مهم دانسته‌اند (استروناخ، ۱۳۷۰؛ پوپ، ۱۳۸۷؛ پیرنیا، ۱۳۷۳؛ عالمی، ۱۳۹۰). این گروه از پژوهش‌ها معمولاً باغ را به‌سبب سبزی‌نگی آن دارای ارزش پنداشته و به‌تبع آن، خیابان را مسیری برای نظم‌دهی میان کرت‌ها و تزیین باغ معرفی می‌کنند: «[...] دو رشته خیابان موازی یکدیگر که در دو طرف دارای درختکاری بوده و در وسط به‌وسیله یک رشته پیاده‌رو یا گردشگاه از هم جدا می‌شوند» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶).

گروه دوم، پژوهش‌هایی است که مفهوم کلی و ابعاد اسطوره‌ای - عرفانی باغ ایرانی را مدنظر دارند و به تحلیل کالبدی خیابان و ارتباط آن با سایر فضاها پرداخته‌اند (دانشدوست، ۱۳۶۹؛ بهشتی، ۱۳۸۷؛ اعتضادی، ۱۳۹۲؛ شاهچراغی، ۱۳۹۳). این گروه، ابعاد شهودی باغ را واجد ارزش می‌دانند؛ لذا خیابان را مسیر برای رسیدن به کوشک تلقی می‌کنند: «مستطیلی با دو محور متعامد که در محل تلاقی‌شان کوشک ساخته‌اند. معمولاً هر جا چنین هیأتی بیابیم آن جا را باغ ایرانی می‌نامیم و بر اثر آن، هنگامی که در باغ ایرانی حاضر می‌شویم بیش از هر چیز همین انضباط را درک می‌کنیم» (بهشتی، ۱۳۸۷، ۷).

گروه سوم پژوهش‌ها، باغ را به‌مثابه منظر مورد پرسش قرار داده و بر بُعد معنایی خیابان را در آن تأکید داشته‌اند (منصوری، ۱۳۸۴، ۱۳۹۴؛ شیبانی و هاشمی‌زادگان، ۱۳۹۵؛ براتی، آل‌هاشمی و مینیاتور سجادی، ۱۳۹۶؛ آتشین‌بار و متدین،



تصویر ۱. نام باغ‌ها به ترتیب از چپ: ۱- باغ سلطنتی پاسارگاد (هخامنشی)، ۲- باغ و مجموعه تاق کسری، تیسوفن (ساسانی)، ۳- عمارت خسرو، قصر شیرین (ساسانی)، ۴- قصر بولکاوآرا، سامرا (عباسی)، ۵- قصر جوسق الخاقانی، کرانه دجله (عباسی)، ۶- باغ فتح‌آباد، تبریز (ایلخانی)، ۷- باغ بابر، کابل (گورکانی)، ۸- باغ بلبل، اصفهان (صفوی)، ۹- باغ هزارجریب، اصفهان (صفوی)، ۱۰- باغ فرح‌آباد، اصفهان (صفوی)، ۱۱- باغ اشرف، بهشهر (صفوی)، ۱۲- باغ فین، کاشان (آل بویه-صفوی)، ۱۳- باغ دلگشا، شیراز (صفوی)، ۱۴- باغ قدمگاه، نیشابور، (صفوی)، ۱۵- باغ دولت‌آباد، یزد (افشاری)، ۱۶- باغ ارم، شیراز (سلجوقی-قاجار)، ۱۷- باغ قصر قاجار، تهران (قاجار)، ۱۸- باغ شاهزاده، ماهان (قاجار)، ۱۹- باغ گلشن، طیس (قاجار) و ۲۰- باغ ائل‌گلی، تبریز (آق‌یونولو-قاجار). مأخذ: آرشیو نگارندگان.

• ورود اسلام به ایران

از ورود اسلام به ایران تا اواسط قرن نهم هجری، مستندات بسیار محدودی از باغ ایرانی موجود است؛ در این دوره باغ‌ها

متر احدات شده که شامل باغ، حوضچه و مسیره‌های آبی بوده که با توجه به کشیدگی بنای کاخ در امتداد خیابان اصلی باغ سامان یافته‌اند» (خوانساری، مقتدر و یآوری، ۱۳۸۳، ۵۶).

شواهد حاکی از ارتباط معنوی خیابان با مفاهیم قدسی و مبارک بوده است (آتشین‌بار و متدین ۱۳۹۷، ۷۴).

• قرون نخست هجری

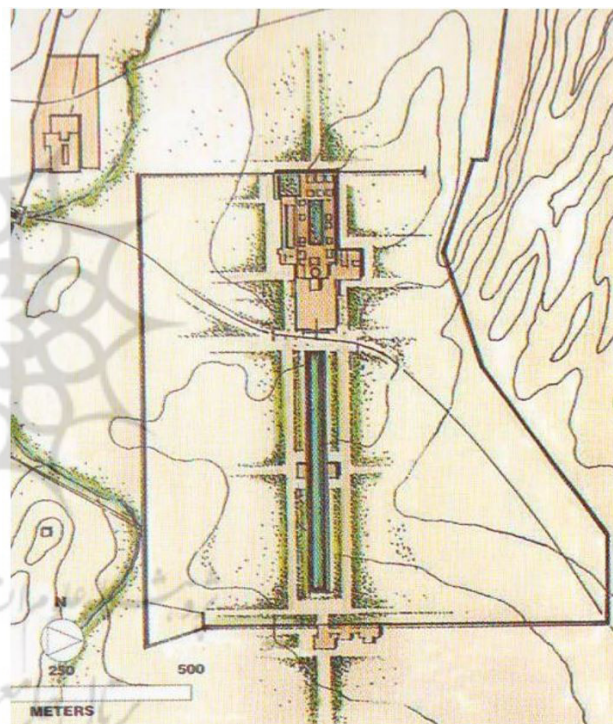
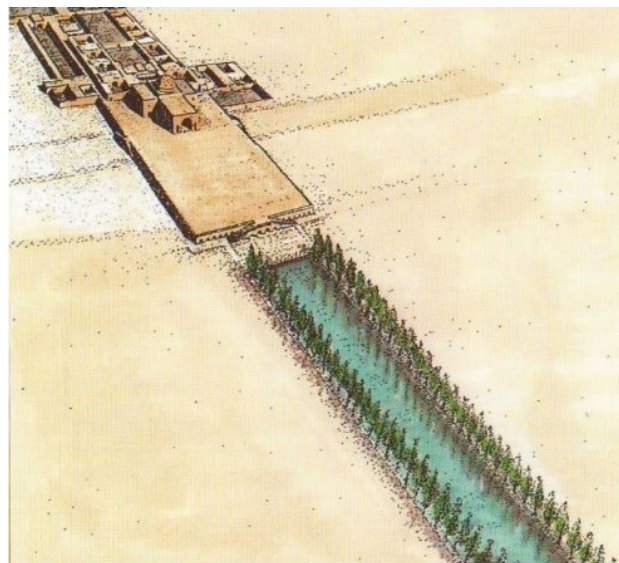
در اسناد، متون و منابع سده‌های نخست هجری تنها به اسامی باغ‌های دوره ساسانی اشاره شده و اطلاعاتی راجع به کالبد و هندسه آن‌ها وجود ندارد (زانگری، رحمتی و لورنزی، ۱۳۹۱، ۳۹۷). البته در مناطق تحت حکمرانی عباسیان مثل عراق و جنوب اسپانیا که در سیطره خاندان بنی‌امیه بودند، به باغ‌هایی دارای محوربندی منظم اشاره شده است. از مهم‌ترین نمونه‌های این امر، شهر سامراست که کاوش‌ها و آثار به‌جامانده از آن به حداقل هشت باغ تأکید دارد (هیلن‌برانند، ۱۳۸۰) که بلکوارا یا قصرالعشاق (تصویر ۳) از جمله آن‌هاست. این قصر در ساحل شرقی رودخانه دجله با طول تقریبی ۱۲۵۰ متر و ارتفاع ۱۵ متر شامل سه حیاط، نه تالار، فضاهای مسکونی و مساجد است. این مجموعه باشکوه حول یک محور اصلی انتظام یافته که ادامه آن به بالاترین نقطه سایت می‌رسد و شامل صحن و باغی محصور تا کرانه رودخانه است (Al-Amid, 1973).

• قرن چهارم هجری

در قرن چهارم هجری، حکومت غزنویان که در بخش‌های شرقی ایران به قدرت رسیده بود، با هدف نمایش شکوه و قدرت دربار خود اقدام به ساخت ابنیه و باغ‌های باشکوه کرد که عمده آن‌ها در محدوده جغرافی افغانستان امروز قرار داشته و متأسفانه از بین رفته است. بیهقی از باغ‌های غزنوی در نواحی مختلف سرزمین خراسان چون بلخ (باغ بزرگ خاصه، باغ محمدی)، هرات (باغ و سرای عدنانی، باغ بیلاب)، غزنین (باغ صد هزاره، باغ پیروزی) و نیشابور (باغ شادیاخ، باغ ابوالقاسم خزانی، باغ خرمک) یاد کرده و شرح و گزارش‌های قابل توجهی از آن‌ها آورده است. از جمله این باغ‌ها می‌توان به باغ شادیاخ اشاره کرد (تصویر ۴) که بیهقی در وصف آن که همراه با کاخی به همین نام در شهر نیشابور بنا گردید، خیابانی را تصویر می‌کند که از ورودی تا صفت اصلی به نام صفت تاج امتداد داشته: «مثال داد جمله سرهنگان را تا از درگاه به دو صف ایستادند با خیل‌های خویش و شارهای آن دو صف از در باغ تا شادیاخ به دور جای رسید و درون باغ از پیش صفت تاج تا درگاه، غلامان دو روی بایستاده با صلاح تمام و رسول و اعیان را در میان دو صف لشکر می‌گذرانید» (بیهقی، ۱۳۸۹، ۳۸ و ۳۹).

• قرون پنجم و ششم هجری

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان کوچ‌نشین بودند که با سلطه بر خراسان و تشکیل حکومت، سبک زندگی کوچ‌نشینی را کنار گذاشته و سنت‌های شهرنشینی را با سنت‌های مناطق فتح‌شده درآمیختند و طی سده‌های پنجم و ششم بر ایران حکمرانی کردند (رحمان‌پور، ۱۳۹۳). اصفهان از مهم‌ترین شهرهای این دوره است که در زمان طغرل فتح شده و از توجه



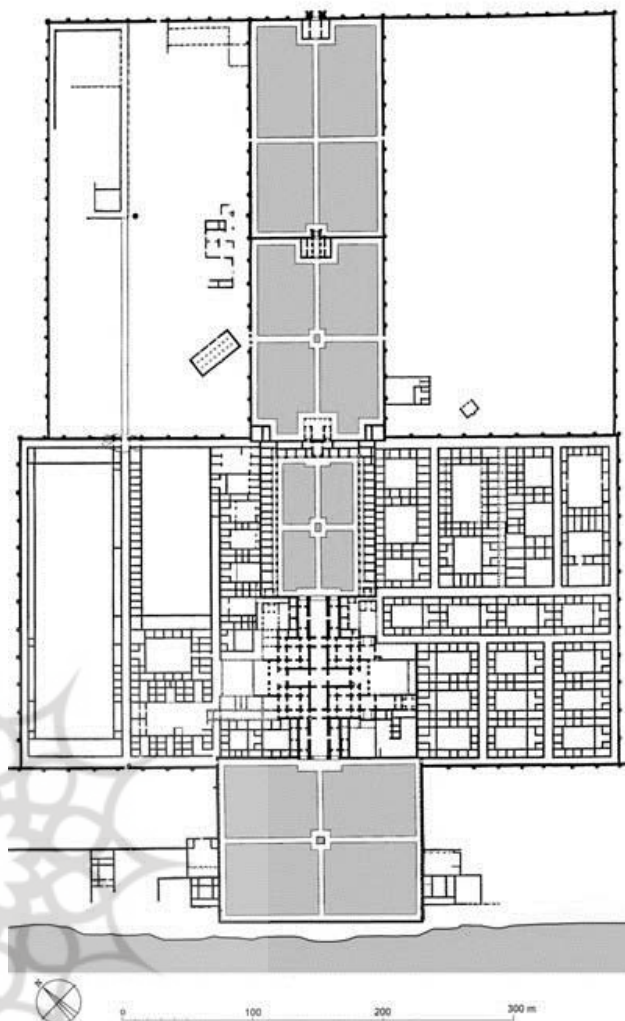
تصویر ۲. ایجاد یک محور طولانی که میانه آن گذرگاه آب است به همراه طرح کاشت درختان در طرفین، از الگوهای باستانی شکل‌گیری باغ محسوب می‌شود که در نمونه‌های مختلف باغ ایرانی قبل از ورود اسلام به ایران پرتکرار است: «باغ‌های ساسانی عمدتاً به چهار قسمت تقسیم می‌شدند و تنگ‌راه‌های مشجر دراز کاخ رسمی را به سکونت‌گاه متصل می‌کرد (فقیه، ۱۳۸۶، ۳۲)»، کاخ خسرو، قصر شیرین. مأخذ: خوانساری، مقتدر و یاوری، ۱۳۸۳.

نقش مهمی را در ایجاد ساختار شهرها ایفا کرده و از ماوراءالنهر تا مرکز ایران شاهد شکل‌گیری محورهایی هستیم که در داخل شهر سراسر باغ و بوستان‌اند (جمال‌الدین، ۱۳۹۵، ۱۹). از اوصاف باغ ایرانی در سده‌های پیش از نهم هجری چنین برمی‌آید که خیابان، مکانی برگزیده و خاص در آن بوده است. از نسبت آن به اسطوره‌های پیشینیان گرفته تا مکان‌یابی مقبره قدرتمندان و سلاطین در امتداد آن یا برگزاری آیین‌ها و جشن‌ها، تمامی

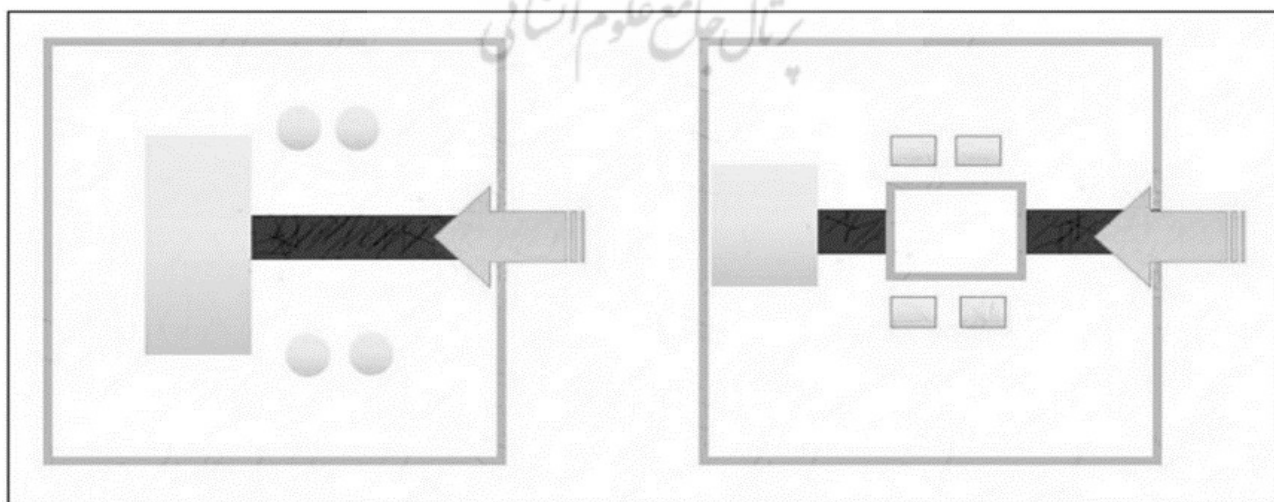
ویژه‌ای برخوردار شد تا جایی که در دوران سلطنت ملکشاه به‌عنوان پایتخت به اوج رسید. در اصفهان دوره سلجوقی، چهار باغ سلطنتی وجود داشت که به‌دستور ملکشاه احداث شده بود: باغ کاران، بیت‌الماء، احمد سیاه و باغ بکر که در منابع متعدد تکرار شده است: راحة الصدور (راوندی، ۱۹۲۱، ۱۳۲)؛ سلجوقنامه (نیشابوری، ۱۳۳۲، ۳۲) و مافروخی (۱۳۸۵، ۴۹-۵۸). علی‌رغم محدودیت جدی در اسناد تصویری و متون تاریخی این دوره، با نگاهی جامع و تحلیلی، تبیین این فرضیه که جوهر چارباغ اصفهان دوره صفوی، برآمده از اقدامات باغ‌سازی با تأکید بر خیابان باغ در این دوره است، دور از منطقی نیست: «برخی محققان، خیابان چهارباغ امروزی، برخی مکان آینده باغ هزارجریب و برخی نیز جلفای امروزی را مکان قرارگیری فلاسان دانسته‌اند» (احمدی و انتشاری نجف‌آبادی، ۱۴۰۱، ۸).

• قرون هشتم و نهم هجری

از منابع مکتوب با موضوع کشاورزی و باغبانی در این دوره می‌توان به کتاب «آثار و احیاء» رشیدالدین فضل‌الله همدانی اشاره کرد که علاوه بر ماهیت زیبایی‌شناختی و تفریحی باغ، بر جنبه‌های اقتصاد کشاورزی و زراعت آن تأکید دارد. از مهم‌ترین باغ‌های این دوره می‌توان به باغ‌های فتح‌آباد (تصویر ۵) و رشیدآباد اشاره کرد که در بخش شمالی شهر ریح‌رشیدی واقع شده بودند. باغ فتح‌آباد از سه بخش اصلی باغ اندرونی، باغ بیرونی و باغ مشجر تشکیل شده و با توجه به قرارگیری روی شیب، ساختار اصلی آن منطبق بر شکل زمین است (کبیرصابر، ۱۳۸۷، ۵۱). آنچه در این باغ حائز اهمیت است، نقش انتظام‌بخش محور اصلی است که بخش اندرونی و بیرونی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در اواخر قرن هشتم، تیمور با تثبیت قدرت خود از ماوراءالنهر تا غرب مدیترانه و انتخاب سمرقند به‌عنوان مرکز حکومت، دستور ساخت باغ‌های متعددی را



تصویر ۳. در سده‌های نخست هجری، سنت باغ‌سازی در ایران طبق الگوی گذشته حول یک محور اصلی شکل گرفت. در این دوره، ریزفضاهای جدیدی به مجموعه اضافه شد. قصر بلکوارا در شهر سامرا که طی دوران عباسی ساخته شد مصداقی گویاست. مأخذ: Ruggles, 2000

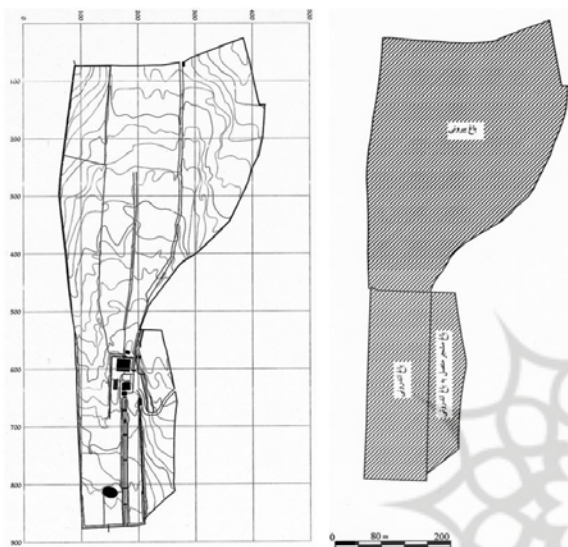


تصویر ۴. کروکی از باغ شادباغ برگرفته از توصیفات بیهقی. تأکید بر محور اصلی باغ در این کروکی مشهود است. همچنین ممکن است کاخ شادباغ نقش همان کوشک محور اصلی را دارا بوده باشد. مأخذ: جمال‌الدین، ۱۳۹۵، ۸۳.

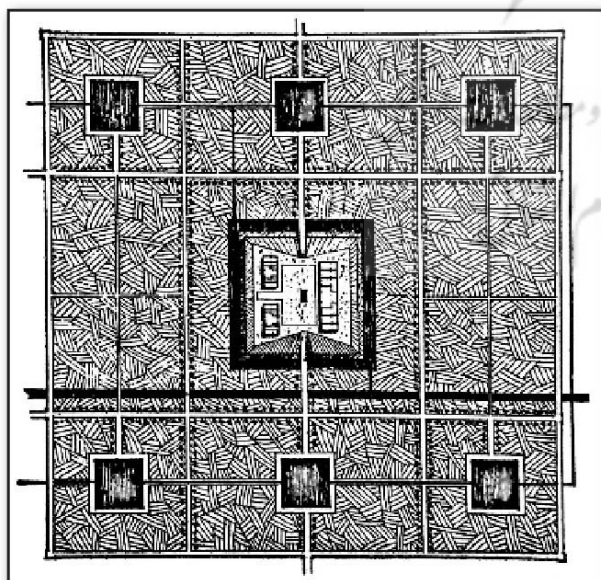
کند، عرض سنگ‌های لبه حوض‌ها نیز همچنان به پهنای سنگ‌های کناره جوی بود» (شاردن، ۱۳۷۵، ۱۱۸).

• قرن سیزدهم هجری

تشکیل حکومت قاجار، هم‌زمانی آن با تحولات عظیم جهانی و افزایش ارتباط با دولت‌های فرنگی منشأ ورود سبک‌های خارجی باغ‌سازی همچون رنسانس، باروک و رومانیک به ایران شد؛ اما همچنان تداوم و استمرار الگوی باغ ایرانی با محوریت خیابان در این دوره قابل توجه است: «همچنان هندسه منظم،



تصویر ۵. باغ فتح‌آباد، خیابان اصلی انتظام‌بخش باغ اندرونی و بیرونی. مأخذ: کبیرصابر، ۱۳۸۷، ۵۱.



تصویر ۶. بازسازی طرح یک باغ در سمرقند (احتمالاً باغ گل سرخ) توسط ویلبر بر اساس گزارش‌های کلاویخو. همان‌طور که در تصویر مشهود است خیابان اصلی باغ از مرکز هندسی می‌گذرد که گوشه در آنجا واقع است. همچنین دو سر خیابان اصلی به دو حوض بزرگ منتهی می‌شود که بخشی از آن شش حوض اصلی هستند. مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۴، ۲۱.

داد که عمدتاً پیرو سبک باغ‌سازی ایرانی بودند. با توجه به گزارش‌های مفصل از مراحل باغ‌سازی در متون ابن‌عرب‌شاه، شرف‌الدین‌علی یزدی، حافظ ابرو، کلاویخو و بابرشاه، عمده باغ‌های تفرجی این دوره در سمرقند متمرکز بوده و باغ‌هایی با کارکرد فرهنگی نیز در هرات قرار گرفت. توصیف‌های که کلاویخو، نماینده دربار اسپانیا از باغی در نزدیکی محل اقامت خود به نام باغ گل یا باغ گل سرخ (تصویر ۶) در سمرقند دارد چنین است: «دیوار بلندی این باغ را احاطه کرد که محیط آن در حدود یک فرسخ است. در این باغ شش حوض بزرگ دیده می‌شود و در سراسر آن نهر بزرگی جاری است که از حوضی به حوض دیگر می‌رود. پنج خیابان بزرگ در باغ احداث کرده‌اند که درختان تنومند و سایه‌افکن در دو طرف آن‌ها غرس کرده و پای آن‌ها را سنگفرش نموده و به‌صورت سکویی درآورده‌اند [...] جز پنج خیابان بزرگ، خیابان‌های کوچک‌تر نیز از این پنج خیابان منشعب می‌گردد» (کلاویخو به‌نقل از ویلبر، ۱۳۸۴، ۲۰۱۹-۲۲۰).

• قرون دهم تا دوازدهم هجری

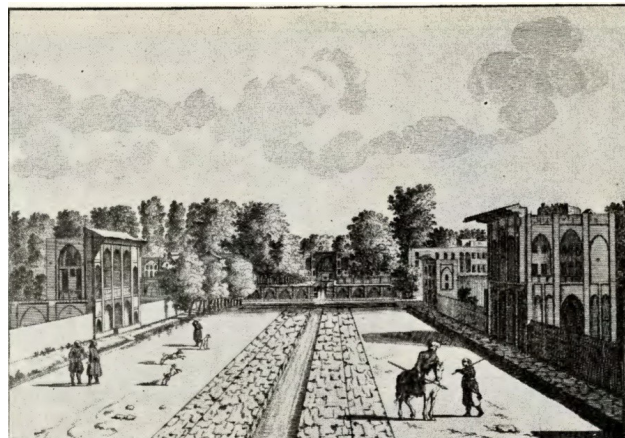
خیابان باغ در دوره صفوی، خیابانی است که وارد شهر می‌شود و نقش آن به‌مثابه فضای زندگی در ساختار شهر نمود می‌یابد: «از اوایل قرن دهم، خیابان با مفهوم فضای شهری مطرح و مشخصات آن با باغ ایرانی توضیح داده می‌شود. مصراع ارادت‌خان واضح^۲: «خوش خیابان‌بندی کردند در بستان ما» از معروف‌ترین نمونه‌های مورد استناد لغت‌نامه‌ها برای تشریح مفهوم خیابان است. ممکن است این برداشت از خیابان وابسته به باغ‌شهرهای ایرانی واقع در منطقه خراسان بزرگ قبل از قرن دهم باشد» (آتشین‌بار و متدین، ۱۳۹۷، ۷۵). از خیابان‌های شاخص این دوره می‌توان به چهارباغ اصفهان اشاره کرد (تصویر ۷) که به‌منزله ارتباط‌دهنده باغ‌های دولتخانه صفوی با باغ‌های جنوبی شهر عمل کرده و دو سوی زاینده‌رود را پیوند می‌بخشد. وصف خیابان چهارباغ در نوشته جهانگردان متعددی چون شاردن، دل‌اوله، اولتاریوس و کمپفر آمده است. این گردشگاه مصفا با طولی حدود ۶ کیلومتر^۴ و عرض ۵۰ متر، با ردیف‌های درخت چنار، باغچه‌های گل، حوض‌ها و فواره‌ها وصف شده است (تصویر ۸).

«در دو طرف این خیابان تعداد زیادی درخت چنار عظیم و پربرگ کاشته شده، برگ‌های این درختان که به بزرگی برگ درختان مو بود، بر خیابان سایه می‌گسترانید و زیباتر جلوه می‌کرد، این گردشگاه از زیر کوه صفا آغاز و طبقه طبقه سراسیم بود، آب چشمه‌ای که از وسط خیابان از مجرای زیبای سنگی تراشیده بودند می‌گذشت» (سانسون، ۱۳۴۶، ۹۶). «این جوی‌ها با سنگ‌های تراشیده که از سطح زمین مقداری بالاتر بودند، آرایش یافته بود. عرض این جوی‌ها به‌حدی بود که از هر جانب، دو تن اسب‌سوار به‌راحتی می‌توانستند عبور

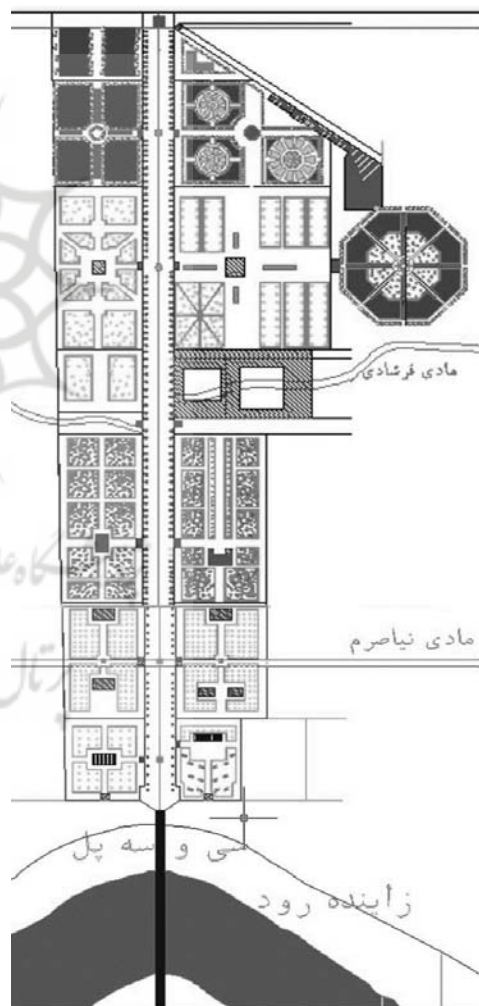
راست گوشه و تأکید بر محور اصلی و ارتباط آن با کوشک و سردر، تقارن و استفاده از جریان آب و حوض به قوت خود باقی است و آن چه که تحت تأثیر قرار گرفته، عمدتاً سطحی است» (ماهان و خرم‌روی، ۱۳۹۹، ۱۵). از مهم‌ترین باغ‌های این دوره می‌توان به باغ قصر قاجار و نگارستان تهران اشاره کرد. قصر قاجار باغی است که در زمان فتح‌علی‌شاه در چهار کیلومتری شمال تهران بنا شد و در زمره باغ‌هایی با کاربری تفرجگاهی برای تابستان است که با الگوگیری از باغ تخت شیراز به صورت تراس‌بندی شده و با محوری پلکانی به باغ وسیعی که در زمین مسطح روبروی آن قرار دارد متصل می‌شود. در امتداد محور، استخری بزرگ مانند یک دریاچه مصنوعی ساخته شده و در ادامه یک کوشک هشت‌ضلعی می‌رسد (تصویر ۹). اوژن فلاندن در سفرنامه خود قصر قاجار و باغ‌های بیلاقی تهران را چنین توصیف می‌کند: «در یک فرسخی تهران قصری جهت تابستانش برپا نموده است که نامش قصر قجر یا تخت قجر می‌باشد، سطح این قصر بزرگ و قابل توصیف است. باغاتی برای تأثر و چندین طبقه مهتابی که پلکان‌هایی متعدد دارد که قصر را از پارک جدا می‌سازند. این قصر امروز بسیار خوب و موردپسند ما نیز واقع گشت. قابل سکونت پادشاه هم می‌باشد ولیکن محمدشاه که بیشتر به آب‌وهوای شمالی علاقه دارد این محل را رها کرده و در ساحل جویباری کوچک به دامنه شمیران بنائی جهت خود نموده است» (فلاندن، ۱۳۵۶، ۵۶۲-۵۶۵). هانری بایندر در سال ۱۲۲۷ ش. ۱۸۴۸ م. می‌نویسد: «در باغ دوشان تپه چندین حیاط آجرفرش را که مزین از اشجار و گل‌های رنگارنگ بودند و حوض‌های بزرگ و فواره‌های متعدد داشتند، طی نمودیم و به طاقی رسیدیم که از آنجا تمام رفت‌وآمد و دلیله را می‌دیدیم [...] اغلب، شاه، عصرها برای تفرج با چندسوار به آنجا تشریف می‌برد» (بایندر، ۱۳۹۹، ۲۳۹).

بحث: تحولات نقش خیابان باغ در باغ ایرانی در گذر تاریخ

اگرچه خیابان از مفاهیم پرکاربرد امروزی در مطالعات شهری است؛ اما ریشه‌های تمدنی آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. در فرهنگ ایران، خواه پیش از اسلام خواه پس از آن، خیابان مفهومی منظرین محسوب می‌شود که در مهم‌ترین الگوی فرهنگی حوزه نفوذ خود یعنی باغ، حضوری دووجهی دارد: هم ذهنی (دارای ویژگی‌های نمادین، معنایی) و هم عینی (به‌مثابه عنصر کارکردی، ساختاری و فضا‌ساز) دارد. خیابان در باغ ایرانی قبل از اسلام، با مفاهیم خیر از جمله آب پیوند خورده است. در این دوره، خیابان باغ، محوری طولی است با عرض متوسط که شکل حضور آب در آن بیشتر به صورت طبیعی است و نقش اسطوره‌ای آب در آن اهمیت دارد. حضور پررنگ و متراکم درختان نمادین چون سرو به‌مثابه عنصر تزئینی در ارتباط مستقیم با خیابان باغ در این دوره، تأکیدی



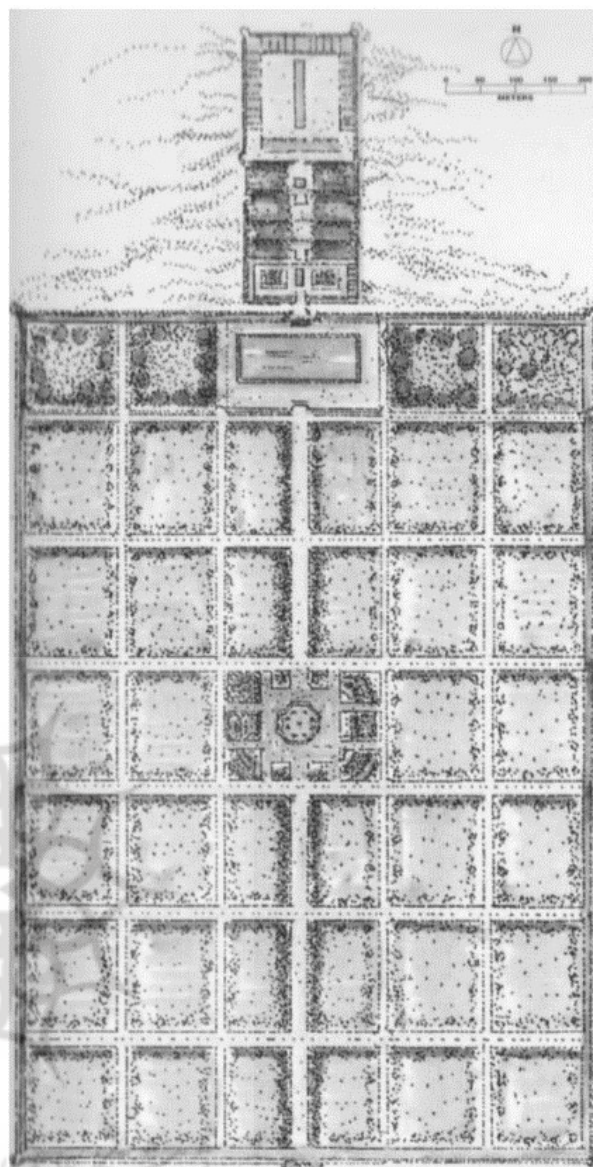
تصویر ۷. نقشه بازسازی شده خیابان چهارباغ عباسی صفوی با توجه به ترسیمات کمپفر و ویلبر و توصیفات ارائه شده از این خیابان در منابع تاریخی. بنا بر توصیف انگلبرت کمپفر چهارباغ، خیابانی است که از پشت قصر شاه شروع شده و در جهت جنوب‌غربی تا باغ هزار جریب ادامه دارد. مأخذ: قلی‌پور، ۱۳۹۳.



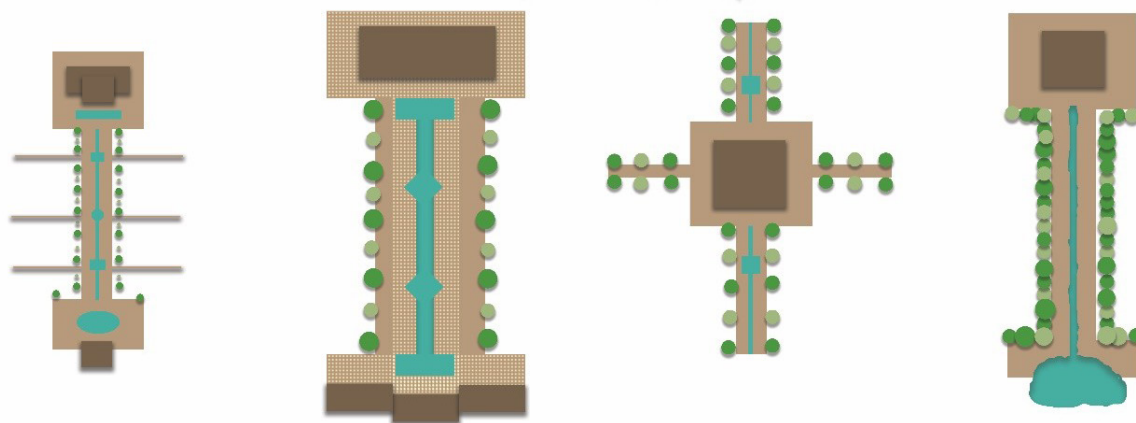
تصویر ۸. انتهای خیابان چهارباغ در عهد صفوی، طرح بازنمایی از سانسون. «اطراف این خیابان فرح‌انگیز دلپسند باغ‌های وسیع زیبایی است که هر یک دارای دو عمارت کلاه‌فرنگی است که یکی بزرگ‌تر و در میان باغ و مشتمل بر تالاری است که از هر طرف باز و در گوشه‌هایی آن اتاق‌ها و صندوق‌خانه‌هاست و دیگری روی سردر باغ بنا شده و آن نیز از هر طرف باز است تا بتوان رفت‌وآمد مردم را در خیابان دید». مأخذ: سانسون، ۱۳۴۶، ۹۷.

بر جایگاه نمادین و معنایی آن است. این روند، چنان‌که در متن مقاله به آن اشاره شد، به‌طور نسبی ادامه دارد و وجه تقدس نیز به ابعاد ذهنی خیابان‌باغ افزوده می‌شود. انتخاب بن‌های خیابان‌باغ در سده‌های نخست هجری تا قرن نهم، جهت استقرار مقبره بزرگان، از مصداق‌های همین اعتباردهی ذهنی است. در این سده‌ها، خیابان‌ها وسیع هستند و حتی ممکن است پیونددهنده دو محله نیز باشند. خیابان‌باغ در دوره تیموری، مرکزگراست، یعنی روی گوشک در نقطه ثقل خیابان تأکید شده و منظره‌پردازی آن با فرهنگ کشاورزی همراه است. در دوره صفوی اما، با تغییر نقش باغ از مکانی قدسی به فضای شهری، نقش خیابان نیز دستخوش تغییرات می‌شود. خیابان‌باغ عریض شده و ترکیب مختلف درختان در اطراف آن مشاهده می‌شود؛ نظمی ردیفی، از پیش تعیین‌شده و کاملاً هندسی بر آن حاکم است. استفاده از کفسازی و طراحی آب‌نما از تزیینات خیابان‌باغ در این دوره محسوب می‌شود. همچنین عمارت سردر و معماری آن نیز در بن خیابان‌باغ شاخص می‌شود. در دوره قاجار خیابان‌باغ محلی برای تفرج است؛ لذا استفاده از معماری رنگین در گوشک و ورودی مورد توجه قرار می‌گیرد. عرض خیابان‌باغ در این دوره متوسط و طول آن کوتاه است. ترکیب درختان متمرکز و غیرمتمرکز در اطراف آن دیده می‌شود و آب، حضوری نمایش‌گونه دارد (تصویر ۱۰).

در نگاهی کلی، خیابان‌باغ به‌لحاظ ماده (شکل) در دوران مختلف، دستخوش تحولاتی شده که می‌تواند تفسیری از جایگاه معنایی آن باشد. پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران و تا قرن نهم هجری، شکل طویل‌خالی پرسپکتیو یک‌نقطه‌ای در ترکیب با درختان نمادین، منشأ منظرسازی و قاب‌بندی پیتورسک است؛ این ویژگی‌های بصری در تفاسیر و متون، تداعی‌کننده مفاهیم ماورایی و قدسی است. تغییر محسوس از



تصویر ۹، بخش‌های اصلی باغ-کاخ قصر قاجار. مأخذ: خوانساری، مقتدر و یآوری، ۱۳۸۳.



تصویر ۱۰. سیر تحول منظره‌پردازی خیابان به‌ترتیب از راست: ۱- خیابان باغ پیش از اسلام، ۲- خیابان باغ سده‌های نخست هجری تا قرن ۱۰، ۳- خیابان باغ در دوره صفوی و ۴- خیابان باغ در دوره قاجار. مأخذ: نگارندگان.

ثابت ماند. خیابان‌باغ، به‌مثابه عنصر اصلی منظره‌پردازی باغ ایرانی، مهم‌ترین مؤلفه منظر باغ است که همچون یک سیستم جامع، باغ ایرانی را مدیریت می‌کند و جلوه‌های مختلف هویتی، زیبایی‌شناسانه و کارکردی باغ در آن متبلور می‌شود؛ لذا تغییرات در خیابان‌باغ همواره به‌صورت موضعی بوده و سرشت آن به‌مثابه یک کل معنایی، تغییری نداشته است. خیابان یا کل اصلی باغ ایرانی دارای عناصری است که زیرسیستم‌های آن را تشکیل می‌دهد و از جمله آن‌ها می‌توان به حوض، نهر آب، ردیف درختان و منظر سبز اطراف خیابان اشاره کرد که در ترکیب‌های مختلف از عرض، طول، تغییرات ارتفاعی، کوشک و عمارت سردر منظره‌پردازی‌های متفاوتی را ایجاد می‌کند که تفاوت‌های منظرین باغ ایرانی را در ذهن مخاطب طی دوره‌های مختلف تاریخی شکل می‌دهد. لذا می‌توان گفت خیابان باغ مؤلفه ثابت‌دهنده الگوی باغ ایرانی در طول تاریخ بوده است؛ چرا که تحولات صورت گرفته در حواشی آن یا عناصر تزئینی آن موجب تغییر در انتظام فضایی و سلسله‌مراتب ادراک آن نمی‌شده است.

دوره صفوی حادث می‌شود که خیابان‌باغ، آمیانس فرازمینی را کنار گذاشته و به زندگی روزمره اجتماع ورود می‌کند و چارباغ اصفهان مظهر تمام‌وکمال این چرخش است. در دوره مدرن، این رویکرد تبلور شکلی حداکثری یافت و جان باغ، یعنی خیابان آن، وارد شهر شد. چنان‌که فضای باغ ایرانی همواره تأثیر ادراکی بر ذهنیت مردم ایران داشته، دوره مدرن دوره‌ای است که فضای شهری بر ذهن مخاطب اثرگذار است؛ لذا معنای حداکثری خیابان‌باغ با ورود آن به فضای شهر و عرصه زندگی اجتماعی در جامعه نهادینه گشت.

نتیجه‌گیری

باغ در فرهنگ ایرانی یک منظر است؛ به‌عبارت دیگر، باغ ایرانی، پدیده‌ای برگرفته از تعامل ذهن ایرانی و طبیعت است که مخاطب را در مسیری مشخص برای تفسیر محیط قرار می‌دهد؛ از این روست که این پدیده از قبل از اسلام تا دوره قاجار که با ورود مستشاران غربی همراه بود، دچار برخی تحولات کالبدی گردید؛ ولی معنای آن نزد مخاطب ایرانی



پی‌نوشت‌ها

۱. چرا که سایر باغ‌ها از جمله باغ‌های شکار از هندسه و مقیاس قابل‌قیاس یا یکدیگر خارج می‌شوند.
۲. مبنای انتخاب باغ‌ها، (باغ‌های پیش از اسلام تا باغ‌های قاجاریه) قرارگیری در گستره مرزهای جغرافیایی دوره صفوی است.
۳. ارادت‌خان عالمگیری متخلص به واضح، مؤلف تاریخ ارادت‌خان، متوفی به سال ۱۱۲۸ ق. / ۷۰ سال ۹۱۹ تا ۹۸۴ هجری قمری.
۴. یک فرسخ

فهرست منابع

- ج. ۴. تهران: نگاه.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۹۳). بازیابی طرح تک‌محوری چهارباغ ایرانی. هویت شهر، ۲۰(۸)، ۱۹-۳۴.
 - شبیانی، مهدی و هاشمی‌زادگان، سیدامیر (۱۳۹۵). باغ ایرانی، هستی نوشونده. باغ نظر، ۱۳(۴۵)، ۵-۸.
 - عالمی، مهوش. (۱۳۹۰). نمادپردازی در باغ ایرانی (ترجمه شهرزاد خادمی). منظر، ۳(۱۷)، ۶-۱۳.
 - فقیه، نسرين. (۱۳۸۶). چهار باغ؛ مثال ازلی باغ‌های تمدن اسلامی. در مجموعه مقالات باغ ایرانی: حکمت کهن، منظر جدید. تهران: موزه هنرهای معاصر، مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی.
 - فلندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلندن به ایران (ترجمه حسین نورصادقی). تهران: اشراقی.
 - قلی‌پور، سودابه. (۱۳۹۳). بازآفرینی خیابان چهارباغ عباسی اصفهان در دوره‌های صفویه و قاجار با تأکید بر بیان تصویری از نوشته‌های سیاحان. باغ نظر، ۱۱(۲۹)، ۳۳-۴۶.
 - کبیرصابر، محمدباقر. (۱۳۸۷). تعامل طرح و طبیعت در باغ فتح‌آباد تبریز. گلستان هنر، ۱(۴)، ۴۸-۵۴.
 - ماهان، امین و خرم‌روبی، ریحانه. (۱۳۹۹). باغسازی اروپایی اصطلاحی نامفهوم، تأثیر سبک‌های باغسازی رنسانس، باروک و رمانتیک بر باغ‌های تهران در دوران قاجار. منظر، ۱۲(۵۳)، ۶-۱۷.
 - مافروخی، مفضل بن سعد؛ اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۵). محاسن اصفهان (ترجمه حسین بن محمد آوی). اصفهان: سازمان فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان.
 - متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۶). تاریخ باغسازی جهان. تهران: پژوهشکده نظر.
 - منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. باغ نظر، ۲(۳)، ۵۸-۶۳.
 - منصوری، سید امیر. (۱۳۹۴). پدیدارشناسی دیوار در باغ ایرانی. منظر، ۷(۳۳)، ۶-۱۳.
 - منصوری، مریم‌السادات. (۱۳۹۸). آب، منشأ زیبایی در باغ ایرانی. منظر، ۱۱(۴۸)، ۳۲-۴۳.
 - نیشابوری، ظهیرالدین. (۱۳۳۲). سلجوقنامه. تهران: خاور.
 - هیلن‌براند، روبرت. (۱۳۸۰). معماری اسلامی (ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی). تهران: روزنه.
 - Al-Amid, T. (1973). *The Abbasid Architecture of Samarra in the Reign of both al-Mu'tasim and al-Mutawakkil*. Baghdad: al-Ma'aref Press.
 - Ruggles, D. F. (2000). *Gardens, Landscape and Visionic the Palaces of Islamic Spain*. Pennsylvania: Penn State University Press.
 - آتشین‌بار، محمد و متدین، حشمت‌اله. (۱۳۹۷). زوال بعد معنایی خیابان در ایران (از دوران باستان تا امروز). باغ نظر، ۱۵(۶۷)، ۷۱-۸۰.
 - احمدی، عباسعلی و انتشاری نجف‌آبادی، علیرضا. (۱۴۰۱). بازیابی کاخ‌ها و باغ‌های اصفهان عصر سلجوقی به استناد مکتوبات تاریخی. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۱۴(۵۳)، ۱-۲۵.
 - استروناخ، دیوید. (۱۳۷۰). شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن در باغسازی ایران (ترجمه کامیار عبدی). اثر، (۲۲ و ۲۳)، ۵۴-۷۵.
 - اعتضادی، لادن. (۱۳۹۲). اهمیت پژوهش‌های چندجانبه در باغ ایرانی. منظر، ۵(۲۴)، ۶-۹.
 - بایندر، هانری. (۱۳۹۹). سیاحت‌نامه هانری بندر (ترجمه محمود طبیب). تهران: انتشارات مگستان.
 - براتی، ناصر؛ آل‌هاشمی، آیدا و مینیاتور سجادی، آرمان. (۱۳۹۶). جهان‌بینی ایرانیان و شکل‌گیری الگوی محوری باغ ایرانی. منظر، ۹(۴۱)، ۶-۱۵.
 - بهشتی، محمد. (۱۳۸۷). جهان باغ ایرانی. گلستان هنر، ۴(۲)، ۷-۱۵.
 - بیهقی، محمدبن حسن. (۱۳۸۹). تاریخ بیهقی (به‌کوشش خلیل خطیب رهبر). ج. ۳. تهران: مهتاب.
 - پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). باغ‌های ایرانی (گفتگوی فرهاد ابوالضیاء با محمد کریم پیرنیا). آبادی، ۴(۱۵)، ۴.
 - پوپ، آرتور. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (ترجمه نجف دریابندری). ج. ۳. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - جمال‌الدین، غلامرضا. (۱۳۹۵). تاریخ باغ و باغسازی در ایران. تهران: روزنه.
 - حیدرنتاج، وحید و منصور، سید امیر. (۱۳۸۸). نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی. باغ نظر، ۱۶(۱۲)، ۱۷-۳۰.
 - خوانساری، مهدی؛ مقتدر، محمدرضا و یآوری، مینو. (۱۳۸۳). باغ ایرانی بازتابی از بهشت. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
 - دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۹). «باغ ایرانی» سخنرانی دانشکده معماری دانشگاه ایران. اثر، ۱۱(۱۸-۱۹)، ۲۱۸-۲۲۱.
 - دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: روزنه.
 - راوندی، محمدبن‌علی. (۱۹۲۱). راحه‌الصدر و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق (به‌تصحیح محمد اقبال). لندن: بریل.
 - رحمان‌پور، ناهید. (۱۳۹۳). تأثیر فرهنگ قومی بر مبلمان سلجوقی. باغ نظر، ۱۱(۳۱)، ۶۷-۷۶.
 - زانگری، لوییجی، رحمتی، نازیکا ماندانا و لورنزی، برونکا. (۱۳۹۱). باغ‌های ایرانی-اسلامی (ترجمه مجید راسخی و فرهاد فخار تهرانی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - سانسون، نیکلا. (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون. وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه‌سلیمان صفوی (ترجمه تقی تفضلی). تهران: ابن‌سینا.
 - شاردن، ژان. (۱۳۷۵). سفرنامه شاردن - بخش اصفهان (ترجمه حسین عربی).

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

صدقی کهنه شهری، پدرام و آتشین‌بار، محمد. (۱۴۰۲). قرائت منظر خیابان در باغ ایرانی. منظر، ۱۵(۶۴)، ۶-۱۵.



DOI: 10.22034/MANZAR.2023.415074.2258

URL: https://www.manzar-sj.com/article_179752.html